

مختصات قوای بینایی عارف در تاریکی‌های نفس

عارف کامل با استفاده از ابزارهای دریافتی از سوی خداوند، از قدرت درک منحصر به فردی برخوردار است که دیگر افراد از تصور کیفیت آن عاجز هستند؛ از این رو در امر سلوک عملی، عارف کامل به انسانی بینا تشبیه می‌شود.



عارف کامل با استفاده از ابزارهای دریافتی از سوی خداوند، از قدرت درک منحصر به فردی برخوردار است که دیگر افراد از تصور کیفیت آن عاجز هستند؛ از این رو در امر سلوک عملی، عارف کامل به انسانی بینا تشبیه می‌شود.

«غفلت و یقظه» منزل اول از منازل سیر و سلوک الی الله است. موضوع بسیار مهم این بخش نحوه خروج انسان از حالت غفلت و ورود به عالم یقظه است. لازم به ذکر است که مطالب ارائه شده در این یادداشت بر گرفته از مقدمه نسخه انگلیسی کتاب «سیر و سلوک الی الله» تالیف حضرت آیت‌الله‌العظمی غروی علیاری (Lessons of Mysticism in the Shia School of Islam) است.

عارف کامل انسان بینا در کسب معارف

انسان برای شناخت محیط پیرامون خود از پنج حس شناخته شده بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه استفاده می‌کند. حال در اینجا تصور کنید شخصی که از ابتدای حیات خود به دلیل نقص جسمانی از نعمت بینایی بی‌بهره باشد چگونه می‌تواند اشیاء را درک کند. به خوبی قابل درک است که فردی که در طول زندگی از هر دو چشم نابینا بوده از درک بصری بی‌بهره بوده و توضیحات دیگر افراد در رابطه با چگونگی ساختار اشیاء و یا کیفیت و تفاوت بین رنگ‌ها هرگز سبب نمی‌شود تا فرد نابینا به درستی کیفیت محیط خود را به درستی درک کند؛ این مثال به خوبی نشان می‌دهد که فقدان یک حس از حواس پنجگانه انسان را به طور جدی با مشکلاتی رو به رو می‌کند.

در نقطه مقابل انسان با افزایش ظرفیت معنوی خود می‌تواند ابزار جدیدی برای درک حقایق بدست آورد که از آن جمله می‌توان به نیروی شهود عرفا اشاره کرد. یک عارف کامل با استفاده از ابزارهای جدید دریافتی از سوی خداوند متعال از قدرت درک بسیار منحصر به فردی برخوردار است که دیگر افراد حتی از تصور کیفیت آن نیز عاجز هستند. از این رو در امر سلوک عملی عارف کامل به انسانی بینا و فرد عادی به انسان نابینا تشبیه می‌شوند. خداوند متعال در قرآن مجید مردم را به پیروی از پیامبر اسلام (ص) سفارش نموده‌اند که علت آن بر اساس آیه‌ای که در ادامه به آن اشاره می‌شود، بینایی معنوی و کمالات پیامبر (ص) و درک ناقص مردم از حقایق عنوان بوده است:

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ: ای پیامبر بگو: نمی‌گویم گنج‌های خدا نزد من است و غیب نمی‌دانم و به شما نمی‌گویم فرشته هستم، جز از چیزی که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم بگو: آیا کور با بینا برابرند؟ چرا فکر نمی‌کنید» (سوره انعام/50).

در اینجا موضوعی بسیار عجیب و بحث برانگیز این است که انسان غافل که از درک صحیح حقایق بی‌بهره است، چگونه روزی تصمیم می‌گیرد تا به وادی سلوک وارد شده و برای درک حقایق مسیر دشواری را بپیماید. انسان در شرایطی به وادی سلوک قدم می‌گذارد که خود به درستی نمی‌داند ندای قلبی او را به چه جهتی هدایت کرده و در نهایت پس از محو حجابات چه چیز یا چه حقایقی بر وی آشکار خواهد شد.

چگونگی خروج از عالم غفلت

انسان در هر شرایطی متناسب با فهم خود می‌تواند تفاوت بین گناه و صواب را درک کند. در اینجا نیرویی که به تعبیر عام وجدان نامیده می‌شود گاهی انسان را از ارتکاب به برخی اعمال باز می‌دارد. متأسفانه یکی از شایع‌ترین گناهان که عموم افراد آن را کوچک تصور می‌کنند دروغ گفتن است.

بسیار متداول است که انسان در کسب و کار خود بارها با سخن کذب قلب خود را از دریافت انوار الهی محروم می‌کند. حال تصور کنیم فردی در اینجا به ندای باطنی خود گوش فرا داده و در کسب خود تلاش می‌کند تا هرگز دروغ نگوید. پس از این تصمیم که خود یک حرکت سازنده در امر خودسازی محسوب می‌شود انسانی که تا کنون تصور می‌کرد از سر اختیار دروغ می‌گوید در می‌یابد که فضای کسب او، مشتریان و دیگر عوامل همواره وی را به استمرار در این معصیت ترغیب می‌کند. در حقیقت انسان پس از تلاش برای جلوگیری از ارتکاب به گناه روزی در می‌یابد که در وضع بدی گرفتار شده‌اند تلاش وافر نمی‌تواند از ارتکاب به گناه جلوگیری کند.

انسان برای ترک گناه تلاش کرده و با شکست روبه‌رو می‌شود از طرف دیگر رفته رفته آثار مخرب گناهان خود را به وضوح مشاهده می‌کند. هر زمان که برای ترک گناه تلاش می‌کند آرامش قلبی و حس رضایت از زندگی در او ظاهر شده و به بیان دیگر همه چیز در زندگی بر روی روال مطلوب خود قرار می‌گیرد از طرف دیگر نیز با ارتکاب به گناه شرایط دگرگون می‌شود. آرامش قلبی از بین رفته و حس ناامیدی و عدم رضایت از زندگی او را احاطه می‌کند آثار گناه رفته رفته آرامش وی را حتی در خواب هم از بین می‌برد.

در پی هر گناه نا آرامی و کابوس‌های شبانه او را با نوعی عذاب درونی روبه رو کرده و نهایتاً نوعی حالت افسردگی معنوی در شخص نمایان می‌شود انسان در این زمان است که با جدیت تمام راه خروج از بحران را جستجو می‌کند.

بهره‌مندی از نور هدایت

فرد به تصویر کشیده شده، برای خلاصی از آثار گناه درمانده شده است وی به تنهایی و بدون استفاده از روشی مناسب توان خروج از این وضع ناگوار را ندارد در اینجا است که پروردگار عالم که از اسرار قلب‌ها آگاه است نور هدایت را به قلب چنین شخصی واصل می‌کند.

در ادامه فردی که به اختیار برای ترک ضعف درونی خود اقدام کرده در پی جستجو برای راه حل بدون اطلاع دقیق با هدایت الهی به مرحله‌ای جدید از زندگی وارد می‌شود. عارف کامل و کسی که در مسیر خود سازی حقیقتا سربلند بوده از نظر غافلان پنهان است و در جامعه همچون فردی ناشناس بدون هیچ نشانه خاصی زندگی می‌کند. از این رو خداوند متعال مسیر زندگی فرد مورد نظر را به گونه‌ای تغییر داده و آن را با عارفی کامل آشنا می‌کند. شخص عارف که خود پیش از این مسیر دشوار سلوک را طی کرده و از آن سر بلند بیرون آمده تنها فردی است که وضع تازه واردان به این عرصه را به خوبی درک می‌کند و می‌تواند دروس مورد نظر را به چنین اشخاصی تعلیم دهد.

در نتیجه قابل درک است که انسان در ابتدا سیر معنوی خود را با یک انتخاب قلبی در فقدان درک صحیح از مسیری که به آن روی آورده آغاز کرده و در ادامه با بهره‌مندی از دانش اندک خود برای تغییر وضع خود اقدام می‌کند. سپس خداوند متعال وی را هدایت کرده و در طی مراحل از ظلمت غفلت به نور یقظه هدایت می‌کند خداوند متعال در بیان پر نور خود در قرآن فرموده‌اند:

«أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: آیا آن دل مرده‌ای که زنده اش کردیم و نوری برایش مقرر داشتیم که با آن در میان مردم به رفتار آید مانند کسی است که در تاریکی‌ها به سر می‌برد و راه خروجی ندارد؟ کردار کافران بدین گونه آراسته شده است» (سوره انعام/122).

بر اساس تعبیر عرفانی نور هدایت مقرر شده برای فرد دل مرده همان وصال شاگرد و استاد است و از آنجا که استاد خود شخصی عالم و کار آزموده است شاگرد خود را به گونه‌ای تعلیم می‌دهد تا وی نیز از عالم ظلمت خارج شود. انسان غافل به دنبال استاد خود گام برداشته و این نور که بدون شک عطیه‌ای الهی است به وی کمک خواهد کرد تا رفته رفته از عالم ظلمت خارج شود.

عرفا مکررا گفته‌اند که خداوند از سر کرم و سخاوت بی‌منت‌های خود همواره بیش از آنچه تصور می‌شود به بنده‌اش عطا می‌کند از این رو انسانی که در گذشته صرفا به دنبال ترک گناه و رسیدن به یک آرامش قلبی بود به گنجی عظیم و گران بها دست پیدا کرده و آن عطیه الهی چیزی نیست جز شناخت راه ورود به وادی اسرار و در اینجا سفر معنوی وی آغاز می‌شود که عرفا از آن به عنوان ورود به وادی سلوک تعبیر می‌کنند.

علی‌رضا خاوری